

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

نویسنده : Ray Takeyh

روزنامه واشنگتن پست - سپتامبر ۲۰۱۶

برگردان از: هوشنگ

## ابراهیم رئیسی، جانشین احتمالی خامنه ای



### توضیح مترجم:

به قدرت رسیدن دار و دسته خمینی که بعداً منجر به استقرار رژیم جمهوری اسلامی در ایران گردید ، زمانی تحقق یافت که سران چهار کشور امپریالیستی امریکا ، فرانسه ، المان و انگلستان در روزهای چهارم تا ششم جنوری ۱۹۷۹ ، برابر با چهاردهم تا شانزدهم دی ماه [جدی] ۱۳۵۷ ، یعنی در عرض سه روز در اجلاسی در جزیره ای به نام گوادلوپ از جزایر کارائیب که به "کنفرانس گوادلوپ" مشهور شد ، به این توافق رسیدند که بنا به علت وجود شرایط "نامطلوب" اجتماعی در ایران ، از شاه خواسته شود که با ترک کشور ، راه را برای ورود خمینی و به قدرت رسیدن دار و دسته او هموار سازد. در واقع چرخش حمایت امپریالیست ها از محمد رضا پهلوی به روح الله خمینی ، بعد از ماه ها مذاکرات مخفیانه که در ایران و سایر کشور های دنیا بین نمایندگان امپریالیست ها با خمینی و اطرافیان او صورت گرفته بود، در این کنفرانس، شکل قطعی و نهائی به خود گرفت. تنها ده روز بعد از پایان "کنفرانس گوادلوپ" ، یعنی در روز بیست و ششم دی ماه [جدی] ۱۳۵۷ بود که شاه از کشور خارج شد و هفده روز بعد از آن، یعنی در روز دوازدهم بهمن [دلو] ۱۳۵۷ ، خمینی وارد ایران شد تا سرآغاز بنای یک رژیم جنایتکار ریخته شود.

رژیم منفور جمهوری اسلامی هم از بدو به قدرت رسیدن، به شکنجه، حبس و اعدام روشنفکران، آزادیخواهان و مبارزان کمونیست پرداخت و با لشکر کشی به تُرکمن صحرا و کُردستان جهت سرکوب جنبش های انقلابی در این مناطق، با کشتار بیرحمانه همه خُلق های ایران، از تُرکمن گرفته تا بلوچ، کُرد، تُرک و عرب و غیره، هر صدای آزادیخواهی را در گلو خفه کرد تا دست سرمایه داران وابسته به امپریالیسم در استثمار کارگران و زحمتکشان، هر چه بیشتر باز گذاشته شود.

پس از مرگ خمینی در سال ۱۳۶۸، مجلس خُبرگان، علی خامنه ای را یک شبه از آخوندی به منصب "آیت اللهی" رساند و او را جانشین خمینی معرفی کرد. این فرد که نه رساله ای نوشته بود و نه می توانست به اصطلاح معروف "مرجع تقلید" باشد، در سلسله مراتب جمهوری اسلامی "ولی فقیه" این نظام گردید. پس از گذشت بیست و هفت سال، خامنه ای هفتاد و هفت ساله، این قاتلی که دستش به خون هزاران دختر و پسر جوان آزادیخواه، زنان و مردان مبارز و کمونیست کشور مان آغشته است، خود در آستانه مرگ قرار گرفته است و نظام جمهوری اسلامی در نیاز به بزک کردن آخوند سفاک دیگری به سر می برد تا آن فرد را به عنوان جانشین خامنه ای به مسند "ولایت فقیه" برساند. برخی اتاق های فکر در امریکا از آخوند ابراهیم رئیسی - یکی از اعضای سه نفره "هیأت مرگ" و مسؤول قتل عام هزاران زندانی سیاسی در دهه شصت، به عنوان "جانشین" احتمالی خامنه ای نام برده اند. این که چقدر امکان دارد که چنین پیشبینی هائی متحقق شوند را آینده نشان خواهد داد اما همین که رئیسی خود را کاندیدای ریاست جمهوری کرده نشان می دهد که اتاق های فکر شیطان بزرگ تا چه حد در جریان آن چه که در درون دایره قدرت در جمهوری اسلامی می گذرد قرار داشته و دوستان ایرانی شان چگونه آن ها را در جریان حتی پیشنهادهایی که ممکن است هرگز عملی هم نشود، قرار می دهند.

آن چه در زیر می آید ترجمه مقاله ای به نام "رهبر ارشد احتمالی بعدی ایران، دوست غرب نیست" نوشته Ray Takeyh می باشد که در سپتامبر ۲۰۱۶ در روزنامه واشنگتن پُست، به زبان انگلیسی چاپ شد. نویسنده این مقاله، یک ایرانی است که سابقاً به عنوان مشاور ارشد در دفتر ایران در وزارت امور خارجه امریکا کار می کرده و حالا هم در اتاق فکری "شورای روابط خارجی - قسمت مطالعات خاورمیانه" برای دولت امریکا قلم می زند. معمولاً منبع اصلی اطلاعاتی این گونه نوشته ها، یکی از هفده سازمان مختلف جاسوسی و امنیتی در امریکاست که اطلاعات جمع آوری شده را به یکی از اتاق های فکر عرضه کرده و مفاد آن اطلاعات برای استفاده کمیته های مختلف در کنگره و مقاصد آن ها تدوین و تنظیم می شوند. در بعضی از مواقع، بنا به استفاده ستراتژیک امپریالیست ها، خلاصه ای از این نوشته ها درج بیرونی هم پیدا می کنند. موضوع این مقاله، کم و بیش همزمان در گاردین، واشنگتن پست، نیویورک پست، العربیه و قنطره و... انتشار یافت. ترجمه نوشته بالا با هدف آشنائی خوانندگان "پیام فدائی" با برخی نظرات مطرح شده در اتاق های فکر امپریالیست ها صورت گرفته و به معنای تأیید مواضع نویسنده توسط مترجم نمی باشد. عبارات داخل پرانتز، برای توضیح بیشتر از طرف مترجم به ترجمه اضافه شده اند.

### رهبر احتمالی بعدی ایران دوستدار غرب نیست

غالباً گفته می شود که مهمترین مانع "مصلحت گرایی" در ایران، رهبر والا مقام (یا به اصطلاح مقام ارشد رهبری)، آیت الله علی خامنه ای است. گفته می شود که وقتی خامنه ای مسن از صحنه خارج می شود، جانشینان او ضوابط مورد قبول بین المللی را با آغوش باز پذیرا خواهند شد.

افول محدودیت های توافق هسته ئی ، جای نگرانی نخواهد داشت، چرا که برای یک رژیم اسلامی نو شده ، پیوست و در هم آمیزی جهانی خیلی بیشتر از رد آن به خاطر سلاح های هسته ئی ، وسوسه انگیز خواهد بود. تنها مشکل این گونه انتظارات این است که نامزدی که خامنه ای و سپاه پاسداران ، برای ارتقاء وی به مقام رهبری در حال بزک کردن او هستند، یکی از اعضای ارتجاعی ترین نخبگان حاکم در ایران است. ابراهیم رئیسی ، رهبر احتمالی بعدی ایران ، می تواند تنها کسی در جمهوری اسلامی باشد که قادر است باعث شود (به خاطر سفاکیت بی حد و حصر او) تا مردم دلشان هوای خامنه ای فقید را بکند.

رئیسی که پنجاه و شش سال عمر دارد مانند خامنه ای، در شهر مشهد متولد و بزرگ شده است. پس از گذراندن دوران طلبگی (در حوزه علمیه مشهد) ، ابراهیم رئیسی تمام زندگی حرفه ئی خود را در بازوی اجرائی جمهوری اسلامی ، به عنوان دادستان کل کشور، رئیس سازمان بازرسی کل کشور و دادستان دادگاه ویژه روحانیت که مسؤولیت منضبط کردن ملاحهائی را به عهده دارد که از خط رسمی (دولتی) منحرف می شوند ، به سر برده است. (\*) در تابستان سال ۱۹۸۸ (سال ۱۳۶۷) ، او به عنوان یکی از اعضای "کمیسون مرگ" در یکی از بدنام ترین اقداماتش در قتل عام هزاران زندانی سیاسی با اتهامات کاذب ، نظارت داشت.

زمانی تصور می شد که منصب مقام ارشد رهبری ، متعلق به یک روحانی محترم و معروف به داشتن دانش دینی باشد. اما، اعتبار مذهبی کدر و نازل خامنه ای، راه را برای یک فرد حتماً کمتر معتبری مثل ابراهیم رئیسی که سراسر زندگی حرفه ئی خود را در تاریخخانه های رژیم، صرف توطئه سازی کرده، هموار نموده است. سابقه (جنایتکارانه) رئیسی کاملاً متناسب با مأموریت سپاه پاسداران در سرکوب مخالفان رژیم منطبق می باشد.

اخیراً در یک مصاحبه، فرمانده سپاه پاسداران محمد جعفری اذعان کرد که از سال ۲۰۰۵ (سال ۱۳۸۳) تاکنون ، رژیم به این جمع بندی رسیده است که قیام داخلی برای موجودیت نظام، حتماً تقابل بزرگ تر از فشارهای خارجی است. جانشین ایده ال برای خامنه ای ، نه تنها می بایستی با چشم انداز سپاه ، اشتراک نظر داشته باشد ، بلکه باید با نهادهای امنیتی و قوه قضائیه هم روابط نزدیکی داشته باشد. به نظر می رسد که سپاه پاسداران ، آدم خود را پیدا کرده است. رئیسی به طور فزاینده ای توسط آن ها به عنوان یک پیشتاز رژیم و مجری اراده آن ، تبلیغ می شود. خامنه ای حتی حامی مهم تری (برای او) هست.

رهبر ارشد ایران ، اخیراً رئیسی را به مدیریت یکی از بزرگترین بنیادهای خیریه ایران - آستان قدس رضوی ، منصوب کرد. بنیاد آستان قدس رضوی ، که حرم امام رضا در مشهد که هر ساله توسط میلیون ها زائر بازدید می شود را مدیریت می کند و بسیاری از شرکت های دیگر را نیز راه اندازی کرده است، دارای منابع زمینی و املاک گسترده ای می باشد. هر چند که مشکل است که ارزش دقیق بنیاد آستان قدس رضوی را برآورد کرد، اما ارزش وقف به مبلغی بیش از ۱۵ میلیارد دلار گزارش داده شده است.

این انتصاب نه تنها باعث تقویت سابقه ملی رئیسی می شود ، بلکه منابع مالی عظیمی در اختیار او قرار می گیرند که او می تواند از آن ها برای پرورش شبکه ای از حامیان و طرفداران خود استفاده کند. خامنه ای در اصل ، دروازه های جهان مالی سپاه جمهوری اسلامی را به روی رئیسی باز کرده است.

برای خامنه ای و پاسداران وابسته به خودش ، مهم ترین مسأله فقط بقای رژیم نیست، بلکه ارزش های انقلابی آن هم مطرح هست. آن ها بر این امر مصر اند که ایران یک چین دیگر نخواهد شد، جایی که به نظر آن ها ایدئولوژی به ارث رسیده ، به خاطر تجارت ، کنار گذاشته شده است.

قیام سال ۲۰۰۹ (سال ۱۳۸۸) ممکن است در واشنگتن به یک حافظه کم رنگی تبدیل شده باشد ، اما آن جنبش ، یک حادثه سهمگین برای نگرهبانان حکومت روحانیون بود. تحت نظارت دقیق آیت الله خامنه ای ، ایران به یک حکومت پولیسی تبدیل شده است. ماحصل منطقی از آن حوادث ، یک مقام ارشد رهبری است که از قلب ماشین سرکوب گرایانه ایران بیرون می آید.

طبق قوانین رسمی ایران ، رهبر بعدی در مجلس خبرگان انتخاب می شود ، اما در واقعیت، آن تصمیم در حال حاضر در پستو های دولت در حال گرفته شدن هست. حسن روحانی ممکن است برای ایالات متحده (در سال ۲۰۱۶) به عنوان رئیس جمهور جذاب و امیدی برای یک رژیم معتدل مطرح باشد، اما او در این بازی مهم قدرت، فقط یک ناظر است.

خامنه ای و سپاه پاسداران این را درک می کنند که رهبر بعدی، قدرت را در یک زمان مخاطره آمیز در دست خواهد گرفت. این رهبر می بایستی میل شدیدی به ثنوری های توطئه داشته باشد، با غرب ستیزه جوئی کند و به نمایندگی از طرف رژیم، آماده به خونریزی باشد. مقام ارشد رهبری بعدی، نه تنها باید به رسالت سرکوب حکومت دینی باور داشته باشد، بلکه او خود بخش جدائی ناپذیر از ماشین رژیم می باشد. در جمهوری اسلامی هیچ کس بیشتر از ابراهیم رئیسی ، مظهر این صفات نیست. به نظر می رسد که او مرد مناسب برای زمان مناسب است.

فروردین ماه [حمل] ۱۳۹۶

#### (\* زیرنویس از مترجم:

چنانچه از لیست مشاغل آخوند جنایتکار ابراهیم رئیسی ، از جمله عضویت در هیأت سه نفره مرگ در دهه شصت پیداست ، وی همواره در حبس ، شکنجه و اعدام ده ها هزار زندانی سیاسی شرکت داشته است:

دادستان همزمانی در کرج و همدان در سن بیست سالگی (۱۳۵۹)

جانشین دادستان انقلاب تهران (۱۳۶۴)

مأموریت با حکم ویژه از خمینی برای سرکوب آزادیخواهان در لرستان، کرمانشاه و سمنان (۱۳۶۷)

دادستان تهران (۱۳۶۸ - ۱۳۷۳)

رئیس سازمان بازرسی کل کشور (۱۳۷۳ - ۱۳۸۳)

معاون اول قوه قضائیه (۱۳۸۳ - ۱۳۹۳)

دادستان کل کشور (۱۳۹۳ - ۱۳۹۴)

دادستان ویژه روحانیت (۱۳۹۱ - تا اکنون)

تولیت آستان قدس رضوی (۱۳۹۴ - تا اکنون)

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران  
شماره ۲۱۴ ، فروردین ماه [حمل] ۱۳۹۶